



عمر برادرم به دنیا بود اما عمر بهروز به دنیا نبود که به جای برادرم خوابیده بود.
چرا از برادرت شکایت نکردی و تصمیم به قتل او گرفتی؟
اشتباه کردم. حالا در زندان منته شده ام. حتی اگر کسی بدترین رفتار را با من داشته باشد دیگر خودسرانه دست به کار نمی شوم و او را به قانون می سپارم.
چطور رضایت اولیای دم را جلب کردی؟
مسادرم خانه مان را فروخت. او حالا زندگی اش را به سختی می گذراند. چند روز پیش در زندان با من تماس گرفت و گفت حتی خرجی بسیاری زندگی ندارد. من شرمندم او هستم.
بعد از آزادی قصد داری چکار کنی؟
من آدم سالمی بودم. حتی سیگار هم نمی کشیدم اما زندگی ام از هم پاشیده شد. وقتی به زندان افتادم همسرم از من جدا شدو حالا یک پسر ۲۳ ساله دارم.
می خواهم بعد از آزادی کار کنم و گذشته سخت را برای مادر و خواهر و پسرم جبران کنم.

از او گلایه کرد تصمیم گرفتم او را بکشم و خانواده ام را برای همیشه خلاص کنم. به همین خاطر کار آسپزخانه را برداشتم و به پارک رفتم.
چطور وقتی بالای سر برادرت رفتی تشخیص ندادی او یک نفر دیگر است؟
برادرم ملحفه ای روی صورتش کشیده و پتو را روی بدنش انداخته بود. نمی خواستم در آخرین لحظه چشمم به چشمانش بی افتد. به همین خاطر در حالی که ملحفه روی صورتش بود او را با جاقو زدم اما بیکباره مرد غریبه را دیدم و شوکه شدم.
چرا او را به بیمارستان نرساندی؟
خیلی ترسیده بودم. در حال فرار از پارک بودم که ناپاورانه برادرم را در پارک دیدم. حتی فکر می کردم دچار توهم شده ام.
وقتی به خانه رفتی چکار کردی؟
عذاب وجدان شدیدی داشتم که دست به خودکشی زدم. حدود ۱۰۰ قرص خوردم و بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم که بازداشت شده بودم. اما حالا فکر می کنم

مرد جوان اشتباهی در پارک کشته شد؛

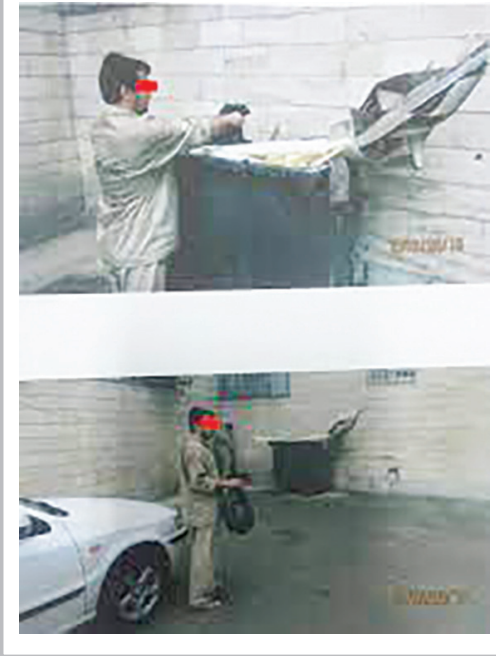
قتل مرد کارتن خواب به جای برادر

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند.
سپس ساسان در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: باور کنید من اصلاً مقتول را نمی شناختم و خصوصی با او نداشتم. من اشتباهی او را با جاقو کشتم.
وی ادامه داد: من و خانواده ام از بید رفتاری های برادر معتامد خسته شده بودیم به همین خاطر تصمیم به قتل او داشتم اما اشتباهی مرد معتامد را با جاقو زدم و شرمندم خانواده با پایان دفاعیات متهم، قضات وارد شور شدند و با توجه به مدارک های موجود در پرونده وی را به قصاص محکوم کردند.
بازگشت از چوبه دار
این حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد. به این ترتیب ساسان پای چوبه دار رفت اما توانست به حرمت میلاد حضرت علی رضایت اولیای دم را جلب کند و به زندگی برگردد.
وی که از قصاص رهایی یافته بود از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد.
می خواستم برادرم را بکشم
متهم که سسرش را پایین انداخته بود گفت: باور کنید من اصلاً قبلاً بهروز را ندیده بودم و هیچ خصوصی با او نداشتم. آن شب به پارک رفته بودم تا برادرم را بکشم و همه خانواده ام را از وضعیت سختی که داشتند نجات دهم. اما اشتباهی بهروز را کشتم. همان شب بعد از قتل وقتی با برادرم روبرو شدم شوکه شدم و فهمیدم

ماموران پلیس به تحقیق از سایر شاهدان پرداختند و با اطلاعاتی که از آنها گرفته بودند یک مرد جوان را که از اهالی محل بود و آن شب با تی شرت سفید به پارک رفته بود و رفتار مشکوکی داشت شناسایی و یک روز بعد بازداشت کردند.
اعتراف به قتل اشتباهی
ساسان ۴۴ ساله به قتل اشتباهی مرد معتامد اعتراف کرد و گفت: برادرم معتامد است و خانواده مان را ازیت می کند. او باها سباب و اثاثیه خانه پدری ام را فروخته و خرج مواد مخدر کرده است. او مدتی است شب ها را در پارک می ماند و به خانه نمی آید. از رفتارهای او خسته شده بودیم. وی ادامه داد: حتی او در آخرین بار که با هم درگیر شده بودیم مرا با جاقو زد که می خواستم از او شکایت کنم اما با وساطت برادر بزرگم منصرف شدم. خانواده ام از بید رفتاری های برادر معتامد خسته شده بودند. به همین خاطر تصمیم گرفتم او را از زندگی مان حذف کنم. چون می دانستم برادرم شب ها در پارک می خوابد به پاتوق او رفتم. او در گوشه ای از پارک خوابیده و روی صورتش یک ملحفه انداخته بود. من با جاقو یک ضربه به شکم و سینه زدم اما وقتی ملحفه را کنار زدم ناپاورانه متوجه شدم فرد دیگری را در خواب زده ام. من همان موقع فرار کردم. اما اهالی محل که شاهد ماجرا بودند مرا به پلیس لو دادند.
قاتل مرد کارتن خواب در دادگاه
با اعتراف های این مرد، برایش کیفرخواست صادر و پرونده اش برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

گروه حوادث - مرد جوان که برای نجات خانواده اش از بید رفتاری های برادر معتامد می خواست او را از زندگی حذف کند، اشتباهی در پارک مرد کارتن خواب را آکشت. وی که پای چوبه دار رفته بود توانست رضایت اولیای دم را جلب کند و به زندگی برگردد. وی که اشک می ریخت از جنبه عمومی جرم از خود دفاع و ابراز پشیمانی کرد و از قضات دادگاه خواست در مجازاتش تخفیف قائل شوند تا گذشته را برای خانواده اش جبران کند.
شامگاه ۲۱ مرداد سال ۹۹ پیکر نیمه جان مرد جوانی به نام بهروز به بیمارستان امام خمینی منتقل شد. وی از ناحیه شکم و سینه هدف ضربات جاقو قرار گرفته بود و غرق خون بود که پس از چند ساعت روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد.
بررسی های نشان می داد بهروز که معتامد بود از مدتی قبل جدا از همسر و فرزندش زندگی می کرد و بیشتر شب ها زاده پارک در محله میرآباد جنوبی می گذراند که کشته شد. با افشای هویت قربانی مأموران به با بازجویی از نگهبان پارک پرداختند.
نگهبان گفت: من در کیوسک نگهبانی نشسته بودم که بهروز را غرق خون گوشه ای در پارک دیدم. او بریده بریده به من گفت اشتباهی او را با جاقو زده اند و سپس از هوش رفت. من همان موقع یک نفر را که تی شرت سفید به تن داشت در همان نزدیکی دیدم که به محض نگاه کردن به او به سرعت فرار کرد. گمان می کنم او عامل قتل باشد.
قاتلی با تی شرت سفید

کاشت ناخن جسد زن جوان؛ راز قتلش را فاش کرد



دادسرای جنایی تهران خبر رسید که مرد محکوم به قصاص در زندان رفتارهای مناسبی دارد و همه از او راضی هستند. از جرمی که مرتکب شده شدت پشیمان بود و می گفت عذاب وجدان رهایش نمی کند. او در جلسه صلح و سازش گفت: من در زندگی ام کوچک ترین خلاقی نکرده ام. حتی لب به سیگار و قلیان هم نمی زنم. شاید باور نکنید اما در رانندگی هم حواسم بود تا خلاف نکنم و ۱۳ سال بود که همه خلاقی ماشین هایم صفر می شد. نمی دانم چه شد که دستام به خون سمانه آلوده شده، من واقعا در آن سه ساعت خودم نبودم. اول از خدا بعد از خانواده سسمانه و در آخر از خانواده خودم می خواهم که مرا ببخشند. تلاش ها برای نجات مرد محکوم به قصاص سرانجام نتیجه داد و اولیای دم به شرط دریافت دیه، قاتل را بخشیدند تا پول دیه را صرف امور خیریه کنند. آنها به خاطر آرامش روح دخترشان تصمیم گرفتند تا به ایتم و نیازمندان کمک کنند. به این ترتیب با بخشش اولیای دم، مرد اعدامی بعد از گذشت ۸ سال از جنایت، از مجازات مرگ رهایی یافت.

خانم همسر دم و در آنجا برای آنکه جنازه را رها کنم و کسی مرا نبیند مجبور شدم دست و پایش را ببرم. من دست و پا در یک نایلون و سر و تنش را در نایلون دیگری گذاشتم و بسته بندی کردم. پس از آن هر دو نایلون را در سطل آشغال رها کردم اما نمی دانم چرا فقط یک نایلون پیدا شده است. این مرد پس از بازسازی صحنه جنایت، با قرار قانونی روانه زندان شد و مدتی بعد در دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفت. در جلسه دادگاه پدر و مادر مقتول، خواستار قصاص قاتل دخترشان شدند و قضات در پایان جلسه حکم قصاص قاتل را صادر کردند. اگر چه عامل جنایت به حکم اعتراض کرد و پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد اما قضات عالی رتبه مهر تأیید بر رای زنده و پرونده برای انجام مقدمات اجرای آن به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد.

سپروس نام داشت مشکوک شدند و او را به اداره پلیس احضار کردند. هر چند این مرد ۴۴ ساله خود را بی گناه می دانست اما سرانجام در بازجویی ها از این جنایت هولناکی که مرتکب شده بود رافاش کرد. او گفت که ۱۸ سال پیش با سمانه آشنا شده و قصد ازدواج با او را داشته است اما هر بار که می خواستند به عقد هم در آیند شرایط مهیا نشده است.
سپروس ادامه داد: صبح روز حادثه با سمانه قرار گذاشتم که به خرید برویم. آن روز با هم به طبیعی رفتیم و کله پاچه خوردیم. بعد از آن در خیابان ها گشت می زدیم و صحبت می کردیم که وقتی صحبت از گذشته شد، ناگهان بخشان شد. چون اسم مادرم را که آوردم، او به مادرم فحش داد و من عصبی شدم. آنقدر عصبی شدم که همانطور که داخل ماشین بودیم، در گوشه ای توقف کردم. دستام را روی دهان سمانه گذاشتم تا دیگر ادامه ندهد. اما یک دفعه به خودم آمدم و دیدم صورتش کیود شده است.
وی گفت: پس از قتل خیلی ترسیده بودم و نمی دانستم باید چه کنم، به سمت آپارتمانی که در ایوانکی داشتم رفتم و او را به داخل

گروه حوادث - خانواده ختری جوان که ۸ سال قبل قربانی خشم مرد آشنایی شده بود، به شرط دریافت دیه از قصاص گذشتند تا این مبلغ را صرف کمک به ایتم و نیازمندان کنند.
تحقیقات در این پرونده جنایی، از عصر روز ۲۹ بهمن سال ۹۴ شروع شدند. آن روز کارگران شهرداری هنگام نظافت در خیابان کردستان جنوبی، چشمشان به یک کیسه زباله مشکفی افتاد که نوار پیچ و بسته بندی شده بود. آنها به محض باز کردن آن با بخشی از جسد یک زن روبرو شدند و با گزارش ماجرا به پلیس، تحقیقات تیم جنایی برای کشف معمای این جنایت شروع شد. کار آگاهان از روی ناخن های زن جوان که کاشته شده و طرح خاصی روی آن حک شده بود، به پرس و جو از چندین آرایشگاه زنانه پرداختند و توانستند آرایشگاهی که این طرح خاص را روی ناخن مقتول حک کرده بود، شناسایی کنند.
به این ترتیب هویت مقتول شناسایی و مشخص شد که او دختری ۳۶ ساله به نام سمانه است که خانوادش گزارش ناپدید شدن او را به پلیس اعلام کرده بودند. کار آگاهان در ادامه به مرد آشنایی که

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

<p>صنایع چوب</p>	<p>خدمات</p>	<p>مفقودی</p>	<p>استخدام</p>
<p>شرکت کهن چوب تولیدکننده انواع درب های چوبی برای کلیه پروژه ها مسکونی ، تجاری ، هتلی ، و اداری جزیره کیش درخت سبز صنعت ۲ پلاک ۴۳ تهران شهرک صنعتی چهار دانگه ۰۹۳۴۷۶۹۹۱۸۶ ۰۷۶۴۴۴۷۳۱۳۹ www.kohanchoob.ir</p>	<p>خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۴۵۵۱۳/۰۱ به نام حیدر فردی زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>به ۲ نفر همکار خانم یا آقا برای کار در کافه رستوران کاپتان بلک نیازمندیم ۰۹۳۹۶۴۱۶۰۰۸</p>
<p>شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش ساخت انواع منسوجات چوبی ، کابینت، ترمو وود.....شو روم بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸</p>	<p>حمل کالا</p>	<p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با بیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری</p>	<p>استخدام منشی عصر ساکن کیش یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شایسته استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب</p>
<p>صنایع چوب حلاج کیش کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲</p>	<p>حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<p>نیازمندیهای اقتصاد کیش</p>	<p>استخدام کارمند امور اداری خانم یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، کارمند امور اداری آشنا به کامپیوتر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.</p>

صنایع چوب حلاج کیش

کلیه سفارشات چوبی، MDF، دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲